۲۱ مصدوم و یك کشته در تیوب سواری

همزمان با وقوع حادثه تیوب سواری در پیست پاپایی زنجان ۲۱ نفر مصدوم و یك نفر کشته شد.

اصغر جعفری، رئیس مرکز اورژانس استان زنجان به مهر گفت: روز جمعه در پی وقوع حادثه و مصدومیت افرادی در پیست پاپایی زنجان امدادگران اورژانس در آنجا حاضر شدند. بررسی‌ها نشان می‌داد افرادی در پی تیوب سواری مصدوم شده‌اند.

۱۳ نفر از حادثه‌دیدگان مرد و ۹ نفر زن بودند که ۱۴ نفر از آنها پس از اقدامات درمانی اولیه از سوی امدادگران اورژانس به بیمارستان آیت‌ا... موسوی و ایثار ایجرود منتقل و هشت نفر نیز به صورت سرپایی درمان شدند. بیشترمصدومان از ناحیه سروصورت آسیب دیده‌اند.

این در حالی است که یکی از مصدومان مرد بر اثر شدت آسیب و ضربه وارده به سر، فوت کرد.

اخاذی میلیونی پسر شیطان صفت از دختر نوجوان

پسرجوانی که با فریب دختر نوجوان از او مخفیانه فیلم سیاه گرفته و سپس از او اخاذی میلیونی کرده بازداشت شد.

به گزارش جام‌جم، چندی پیش دختر ۱۷ساله‌ای با حضور در اداره پلیس فتای تهران بزرگ از پسر جوانی به اتهام گرفتار شدن در دام شیطانی او شکایت کرد.

وی به افسر تحقیق گفت: من با دانیال در اینستاگرام آشنا شدم و با هم در ارتباط بودیم. در پی دوستی‌مان او یک روز به من پیشنهاد داد که با هم ملاقاتی داشته باشیم که قبول کردم. روز قرارمان با هم حرف زدیم و سرانجام با اصرارهایش با او همراه شده و به خانه‌اش رفتم. همه چیز آرام به نظر می‌رسید. زمان کوتاهی از حضورمان نگذشته بود که متوجه شدم جز من و دانیال کسی در آن خانه نیست.

شاکی نوجوان ادامه داد: بعداز آن پسر مورد علاقه‌ام به سمت من حمله‌ور شد و مرا به‌شدت کتك زد و با تهدید، قربانی نیت شوم خود کرد. بعد مرا رها کرد و به خانه‌ام بازگشتم. از ترس آبرویم و بلایی که او برسرم آورده بود، با اعضای خانواده‌ام حرفی نزدم. چند روز از این ماجرا گذشته بود که دانیال بخشی از فیلم سیاهی را که از من تهیه کرده بود برایم از طریق تلگرام ارسال و تهدید کرد اگر برایش پول تهیه نکنم این فیلم را در کانال‌های تلگرامی و اینستاگرام منتشر می‌کندو مرا به دردسر می‌اندازد.

وی افزود: او حتی تهدیدم کرد که اگر پای پلیس به میان بیاید و من از او شکایتی کنم فیلم سیاه را منتشر می‌کند. من هم از ترسم النگوی طلایم را به مبلغ هفت میلیون تومان فروختم و به دانیال دادم. بعد از چند روز او دوباره با من تماس گرفت و پول بیشتری خواست و همچنان تهدید به انتشار آن فیلم سیاه می‌کرد. دیگر نمی‌توانستم پول بیشتری تهیه کنم، بنابراین ماجرا را با خانواده‌ام در میان گذاشتم و برای شکایت از آن جوان به پلیس فتا آمدم. با شکایت این دختر نوجوان، پسر اخاذ تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و سرانجام روز ۱۹ دی امسال مخفیگاه متهم ۲۵ساله در یکی از محله‌های شهر تهران به دست آمد و دستگیر شد. متهم با انتقال به پلیس فتا بازجویی شده و با اعتراف به جرایمش به افسر تحقیق گفت: هدفم از آشنایی اینستاگرامی با دختر نوجوان فقط اخاذی از او بود. زمانی که او را فریب دادم و به خانه‌مان بردم، گوشی تلفن همراهم را ماهرانه در اتاق جاسازی کردم و با زور و تهدید با او رابطه برقرار کردم و به این ترتیب مخفیانه از این صحنه‌های سیاه فیلمبرداری کردم. بخشی از این فیلم را برای دختر نوجوان فرستادم و با تهدید به انتشار آن از او هفت میلیون تومان اخاذی کردم. در صدد بودم مبالغ بیشتری هم از او اخاذی کنم که نشد و پلیس مرا بازداشت کرد.

سرهنگ تورج کاظمی، رئیس پلیس فتای تهران گفت: با صدور قرار قانونی برای این جوان اخاذ، تحقیقات پلیسی برای رازگشایی از دیگر جرایم وی ادامه دارد.

رمزگشایی از نوزاد فروشی پس از ۱۲ سال

زن جوان بعد از ۱۲ سال متوجه شد که پسرش زنده است و از سوی شوهر افغانش به مردی که صاحب فرزند نمی‌شد، سه میلیون تومان فروخته شده است.

زن ایرانی که نوزادش ۱۲ سال قبل فروخته شده بود، او را پیدا کرد

به گزارش جام‌جم، دیروز زن جوانی با حضور در شعبه نهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران برای یافتن پسرش بعد از ۱۲ سال کمك خواست.

وی به بازپرس سهرابی گفت: ۱۴ سال قبل و زمانی که نوجوان بودم در یك شرکت تولید لواشك در پاکدشت کار می‌کردم. یك سال از کارکردنم در آنجا گذشته بود که دلداده جوان افغانی که همکارم بود، شدم. بعد از یك سال زمانی که ۱۷ ساله بودم با هم ازدواج کردیم و به عقد موقت او درآمدم. شوهرم غیرقانونی در ایران زندگی می‌کرد و خانواده‌ای در ایران نداشت. باردار که شدم و فرزندم به دنیا آمد او حاضر به نگهداری از پسرمان نشد. بعد هم از محل کارمان تسویه کرد و به مکان نامعلومی رفت. او حتی حاضر به گرفتن شناسنامه برای پسرمان نشد. شاکی ادامه داد: من و مادرم خانه‌ای در محله شوش تهران اجاره کرده و همراه پسر دوماهه در آنجا زندگی می‌کردیم. یك روز شوهرم به مقابل خانه‌مان آمد و مدعی شد که اشتباه کرده و می‌خواهد گذشته را جبران کند. زمانی که فهمید نوبت واکسن زدن پسرمان است او را از من گرفت تا به خانه بهداشت محله ببرد که ناپدید شد و دیگر ردی از او و پسرمان نبود. هر محله و پاتوقی که شوهرم داشت را جست‌وجو کردیم، اما خبری از او نبود. بیمارستان‌ها، بهزیستی و هر جایی که به فکرمان می‌رسید را با مادرم جست‌وجو کردیم اما دیگر خبری از وی نبود.

وی افزود: دیگر ناامید شده و گمان می‌بردم که شوهرم بلایی سر نوزادم آورده و او را کشته است. اما ته قلبم همچنان به پسرم و سرنوشت او فکر می‌کردم. آرزویم این بود که یك بار دیگر او را ببینم. ماجرای این بچه و سرنوشتش را به پسرخاله‌ام گفته بودم تا از افراد مختلف پرس و جو کند تا شاید ردی از فرزندم پیدا کند که قبول کرد.

زن جوان ادامه داد: اوایل خرداد امسال، پسرخاله‌ام به دیدنم آمد و گفت که چند روز پیش در قهوه‌خانه نشسته بوده که مرد سابقه‌داری نزدش آمده و درباره کودکی حرف می‌زده که ۱۲ سال قبل از سوی یك مرد افغان فروخته شده است. با شنیدن این حرف‌ها از او خواستم مرا نزد آن مرد ببرد بعد از چند هفته آن مرد را پیدا کرد و مرا به پاتوق او برد. زمانی که با آن مرد حرف زدم او ابتدا مدعی شد که پسری که از او حرف می‌زند و نامش امیرمهدی است، همکلاسی پسرش است و نمی‌تواند او را با من رو به‌رو کند.

وی افزود: آن مرد چندروزی ما را سر کار گذاشت و بعد از این‌که یك میلیون تومان پول و گوشی اندرویدی شش میلیون تومانی از من گرفت، اطلاعات بیشتری از آن پسر نوجوان به من داد و حتی عکس‌هایی از او نشانم دادکه شباهت زیادی به من داشت. سرانجام به من گفت که این کودك را ۱۲ سال قبل به مبلغ سه میلیون تومان خریده است.

زن جوان ادامه داد: این مرد در گفت‌وگو با من مدعی شد که سال‌ها بوده که صاحب فرزندی نمی‌شدند. پسرم را که دو ماهه بوده از یك مرد افغان خریده و او گفته که نام مادر کودك فاطمه است و درباره محل زندگی او با وی حرف زده است.

در ادامه متوجه شدم که آنها بعد از این‌که پسرم را نزد خودشان آورده‌اند از طریق مادربزرگ خانواده برای او شناسنامه‌ای به نام امیرمهدی گرفته‌اند و او اکنون مدرسه می‌رود. چند سال بعد از خرید نوزاد، همسرش دو بار باردار شده و پسر و دختری به دنیا آورده، اما دخترش بعد از چند سال به خاطر بیماری فوت شده است. وی گفت: با شنیدن این حرف‌ها دیگر مطمئن شدم مشخصاتی که او از فروشنده کودك می‌دهد متعلق به شوهرم است. آن مرد می‌گفت چندسال پیش ماجرای کودک ربایی را به پسرم گفته و در این چند سال هم مخفیانه رفت و آمد من را زیر نظر داشته و مطمئن بوده که من هنوز در جست‌وجوی پسرم هستم.

از او خواستم مرا به ملاقات پسرم ببرد که ناپدید شد. بعد از جست‌وجوی فراوان متوجه شدیم این مرد به اتهام گوشی‌قاپی چند ماه است که بازداشت شده و در زندان فشافویه به‌سر می‌برد. با توجه به شکایت این زن، پرونده با دستور قضایی در اختیار ماموران اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. قرار شد مرد زندانی در مواجهه حضوری با مادر کودك قرار گیرد تا مشخص شود کودکی که او از آن حرف می‌زند واقعا فرزند این زن جوان هست یانه؟ اگر مشخص شود که کودك مال این زن است بعد از انجام آزمایش دی‌ان‌ای تحویل مادر واقعی‌اش می‌شود.

دستبرد به خانه‌ها در پوشش نظافتچی

دزدان افغان در پوشش نظافتچی به خانه‌ها دستبرد می‌زدند

چهار مرد افغان به‌عنوان نظافتچی وارد خانه‌های شهروندان تهرانی می‌شدند و بعد از چند روز در غیاب صاحبخانه‌ها به آنجا دستبرد و طلا و اموال قیمتی‌شان را سرقت می‌کردند.

به گزارش جام‌جم، اوایل مهر امسال، مرد بازنشسته‌ای با حضور در کلانتری نارمك شکایت کرد و به افسر تحقیق گفت: زمانی که از مهمانی به خانه‌ام در محله مجیدیه‌جنوبی بازگشتم، متوجه سرقت صد میلیون تومان طلا و اشیای قیمتی از آپارتمانم شدم.

با این شکایت و با دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای ناحیه ۸ تهران، پرونده برای ادامه تحقیقات در اختیار ماموران پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

در تحقیقات پلیسی معلوم شد مرد تبعه افغان آخرین نفری بوده که به خانه شاکی برای نظافت رفته و بعد از آن، سرقت رخ داده است. ماموران به این کارگر خدماتی مشکوك شدند و او به‌عنوان مظنون در این سرقت تحت تعقیب پلیس آگاهی قرار گرفت. این در حالی بود که افراد دیگری نیز با حضور در پلیس آگاهی از سرقت اموال قیمتی و طلاهای موجود در خانه‌هایشان شکایت کردند. بررسی‌ها نشان می‌داد چند مرد افغان نیز به‌عنوان نیروی خدماتی به ساختمان‌های محل زندگی آنها و خانه‌هایش در رفت و آمد بودند و بعد از این‌که سرقت‌ها رخ داده است، مردان نظافتچی به یکباره ناپدید شده‌اند و کسی از آنها خبری ندارد. ماموران با جمع بندی این اطلاعات اطمینان یافتند مردان نظافتچی افغان در این سرقت‌های سریالی نقش دارند که جست‌وجوها برای یافتن آنها که به نظر می‌رسید یك باند سرقت راه‌اندازی کرده‌اند ادامه پیدا کرد.

سرانجام رد پای این افراد در محله خاک سفید تهران به دست آمد و هفدهم دی امسال این چهارمرد افغان یکی پس از دیگری بازداشت شدند. یکی از متهمان افغان به افسر تحقیق گفت: ابتدا با نصب تراکت روی در و دیوار شهر خودمان را به‌عنوان نیروی خدماتی و نظافتچی معرفی می‌کردیم. با این ترفند توانستیم اعتماد افراد را جلب کنیم.

مردم به‌عنوان کارهای خدماتی خانه هایشان با ما تماس می‌گرفتند و ما به نوبت به آنجا می‌رفتیم. چند روزی آنجا کار می‌کردیم و از وضع زندگی آنها با خبر می‌شدیم. بعد زمانی که متوجه می‌شدیم صاحبخانه به مهمانی یا مسافرت رفته و در آپارتمان‌ها حضور ندارد تصمیم به اجرای نقشه سرقت‌ها می‌گرفتیم. وی افزود: با بالا رفتن از دیوار آپارتمان‌ها وارد ساختمان‌ها می‌شدیم. بعد با تخریب در آپارتمان‌ها ساعت ۱۸ تا ۲۱ وارد خانه‌ها شده و پس از جست‌وجو اموال قیمتی و طلاهای موجود در خانه‌ها را سرقت می‌کردیم. سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران گفت: در تحقیقات از این باند چهار نفره سرقت معلوم شد همگی به‌طور غیرقانونی وارد خاك ایران شده و با آمدن به تهران نقشه دزدی از خانه‌ها را اجرا کرده‌اند. این در حالی بود که آنها طلاهای دزدی را به طلافروشی در یکی از استان‌های غربی فروخته‌اند. این طلافروش هم طلاها را به مردم می‌فروخته است. با مشخص شدن این موضوع، مرد طلافروش شناسایی و بازداشت شد. او در مواجهه حضوری با سارقان به خرید طلاهای دزدی از آنها اعتراف کرد.

گزارشی از روند پرونده مرد آزارگر

مواجهه حضوری شاکیان با خفاش شیشه‌ای

معتاد شیشه‌ای که به اتهام سرقت پول و طلا و آزار و اذیت ۲۰ زن، پسر و دختر خردسال و نوجوان بازداشت شده، دیروز در دادسرای جنایی تهران با شاکیان زن مواجهه حضوری شد.

به گزارش جام‌جم، این متهم سابقه‌دار ۳۲ ساله که امیر نام دارد به خفاش شیشه‌ای پایتخت معروف شده است. او با جا زدن خود به عنوان تعمیرکار لباسشویی، شوفاژکار و تعمیرکار آسانسور و پرداختن بدهی به خانه‌های مردم در جنوب تهران راه می‌یافت و با زور و تهدید چاقو زنان و دختران جوان و کودکان پسر و دختر را مورد آزار و اذیت قرار داده و بعد از سرقت پول و طلا فرار می‌کرد.

روز شنبه برخی از شاکیان زن و دختران جوان که در دام این متهم گرفتار شده بودند با حضور در دادسرای جنایی تهران و در مواجهه حضوری با این متهم او را به عنوان همان مرد شیطان‌صفت سارق معرفی کردند. زن ۲۷ ساله‌ای که هدف سوءقصد این متهم قرار گرفته بود به جام جم گفت: من به عنوان دستیار در دندانپزشکی کار می‌کنم. ساعت ۹ صبح سوم تیر امسال در مطب بودم. در حال آماده کردن وسایل دندانپزشکی بودم تا با آمدن دندانپزشك مطب و آمدن بیماران کار روزانه را شروع کنیم. مردی که ماسك بهداشتی زده و کلاهش را تا نزدیك چشمانش پایین کشیده بود؛ به طوری که چهره‌اش را به‌درستی نمی‌توانستم ببینم، وارد مطب شد.

وی افزود: پشت میز رفتم. با دیدن وی گمان کردم بیمار است، پس از او خواستم منتظر بماند تا دندانپزشك بیاید، اما چند لحظه بیشتر طول نکشید که متوجه رفتارهای غیرمتعارف او شدم و از وی خواستم از مطب بیرون برود اما آن مرد به چند لحظه نکشید که به من حمله‌ور شد. مرا هدف مشت و لگد خود قرار داد و به سر و صورتم آسیب زد. در جدال با وی بودم که مرا به کناری پرت کرد. با روسری دست و پایم را بست و می‌خواست مرا مورد آزار و اذیت قرار دهد که موفق نشد و با شکسته شدن شیشه میز او ترسید و با شنیدن صداهایی فرار کرد. شاکی ادامه داد: او هنگام فرار کارت بانکی‌ای که همراهش بود را در مطب جا گذاشت. زمانی که به کلانتری رفته و شکایت کردیم کارت بانکی را به پلیس دادیم که آنها هویت صاحب آن را شناسایی و وی را احضار کردند که او مدعی شد کارت را به پسرعمه‌اش داده و فراموش کرده آن را تحویل بگیرد. تا این‌که چند روز پیش از طریق تلویزیون که خبر دستگیری متهم را اعلام کرده بود، متوجه بازداشت آن مرد شدم. او را زودتر اعدام کنید.

شلیك به ۲ برادر به خاطر قسط وام

ضامنی که به خاطر پرداخت نکردن اقساط وام، دو برادر را با شلیك گلوله زمینگیر کرده بود، پای میز محاکمه قرار گرفت. به گزارش جام‌جم، سه سال قبل ماموران پلیس در جریان تیراندازی در یك مجلس ختم قرار گرفتند. با حضور تیم پلیسی مشخص شد، دو برادر هدف گلوله قرار گرفته و به بیمارستان منتقل شده‌اند. با بهبود حال این دو برادر، ماموران از آنها تحقیق کردند که مدعی شدند برای گرفتن وام از مردی به نام یوسف، وثیقه بانکی گرفته بودند که در مراسم چهلم مادرشان، یوسف به آنجا آمد و به آنها شلیك کرد. یوسف بازداشت شد و در تحقیقات گفت: من قصدم شلیك به دیوار کنار دو برادر بود تا آنها را بترسانم، اما گلوله‌ها به آنها اصابت کرد. با تکمیل تحقیقات پرونده به شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و یوسف دیروز به ریاست قاضی قربانزاده پای میز محاکمه قرار گرفت.

در این جلسه وکیل دو برادر، شکایت آنها را مطرح کرد و گفت: موکلانم به خاطر وضعیت جسمانی قادر به حضور در جلسه دادگاه نبودند. در ادامه یوسف در دفاع از خود گفت: دو شاکی کارخانه‌دار بودند که ورشکسته شدند. من و برادرم، ملکی داشتیم که سندش را به آنها دادیم تا وام بگیرند. آنها ۳۸۰ میلیون تومان وام گرفتند اما اقساط آن را ندادند. چند روز قبل از عید از بانك آمدند و خواستند خانه را تخلیه کنیم. از دو برادر خواستم بدهی‌شان را به بانك بدهند که آنها توجهی نکردند. وضعیتم آن‌قدر بد شده بود که پسرم دست به خودکشی زد. روز حادثه می‌خواستم آبروی آنها را جلوی فامیل‌هایشان ببرم و به دیوار شلیك کردم تا بترسند اما نمی‌دانم چطور گلوله به آنها اصابت کرد.

رئیس دادگاه: میزان صدمات و محل اصابت گلوله‌ها نشان می‌دهد، هدفگیری کرده بودی و ادعایت درست نبود. سلاح را از کجا آورده بودی؟

متهم: باغی داشتم و برای حفاظت سلاح خریدم.

پس از آخرین دفاع متهم، قضات دادگاه برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

تلنگر

سکته در هیجان فوتبال

مردی هنگام تماشای بازی فوتبال ایران - یمن دچار هیجان این بازی شد و براثر سکته قلبی فوت کرد. به گزارش جام‌جم، این مرد ۶۰ ساله شامگاه چهارشنبه و همزمان با بازی فوتبال ایران- یمن در حال تماشای این بازی از تلویزیون، در پی هیجان تماشای گل اول ایران به یمن، دچار حمله قلبی شد. او که حالش بد شده بود از سوی خانواده‌اش به بیمارستان منتقل شد اما با توجه به تلاش پزشکان این مرد فوت کرد. مرگ او به بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران گزارش و با هماهنگی قضایی جسد او به پزشکی قانونی منتقل شد.

قاتل خاموش ۶ قربانی گرفت

شش نفر بر اثر گازگرفتگی در دو حادثه جداگانه جان باختند. به گزارش جام‌جم، در نخستین حادثه، شامگاه جمعه در یك واحد مسکونی در روستای دولگلاب شهرستان بدره که در اجاره یك شرکت پیمانکاری راهسازی بود، به علت نصب غیرایمن کپسول گاز به آبگرمکن بدون دودکش، سه نفر بر اثر گازگرفتگی فوت شدند و نفر چهارم در بیمارستان بستری است. افراد ساکن در این خانه رانندگان و کارگران شرکت راهسازی واریانت چشمه شیرین بودند که دچار گازگرفتگی مرگبار شدند. در حادثه‌ای دیگر، سه عضو یك خانواده بر اثر مسمومیت با گاز مونواکسید کربن فوت شدند. به گزارش مهر، یك زن و شوهر ۳۸ و ۳۷ ساله و کودك چهار ساله‌شان در خانه خود در میامی بیهوش شده و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شدند. به احتمال زیاد، گازگرفتگی باعث مرگ آنها شده است.

مرگ مصدوم زلزله

یکی از مصدومان زلزله اخیر گیلانغرب که در بیمارستان بستری بود، فوت شد. به گزارش فارس، چند روز پیش زلزله‌ای به بزرگی ۵/۹ ریشتر در عمق ده کیلومتری حوالی گیلانغرب را لرزاند. بیش از ۸۰ نفر در این حادثه مصدوم شده که بیشتر آنها سرپایی درمان شدند. مرد ۶۰ ساله مصدومی در بیمارستان امام رضا(ع) بستری بود که به دلیل وخامت حالش بعد از چند روز بستری شدن و جدال با مرگ فوت شد.

بازداشت عاملان سوءقصد به جان مسؤول حراست ارشاد

متهمان اصلی سوءقصد ناکام به جان مسؤول حراست اداره‌کل فرهنگ وارشاد اسلامی استان سیستان و بلوچستان بازداشت شدند. به گزارش روابط عمومی دادگستری استان سیستان و بلوچستان، حجت‌الاسلام علی موحدی راد، دادستان سیستان و بلوچستان گفت: هشتم تیر امسال سوءقصد به جان مسؤول حراست اداره کل ارشاد استان ناکام ماند. از آن زمان پلیس در جست‌وجوی متهمان بود تا این‌که معلوم شد زنی که کارمند نهاد کتابخانه شهرستان زهك بوده با همراهی رئیس اداره ارشاد زهك به دلیل خصومت شخصی اقدام به این کار کرده‌اند. در این‌باره شش نفر بازداشت شدند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

بازداشت قاتلان نگهبان باغ انگور

سه مرد که نگهبان باغ انگور در تاکستان را با ضربه‌های چاقو به قتل رسانده بودند بعد از سه ماه فرار، بازداشت شدند. به گزارش جام‌جم، سرهنگ دوم کوروش عزیزی، سرپرست فرمانده انتظامی شهرستان تاکستان گفت: ساعت ۲ بامداد ۱۷ مهر امسال مردی در تماس با پلیس خبر داد که مرد ۳۶ ساله‌ای در یکی از باغ‌های بخش خرمدشت تاکستان به قتل رسیده است. عاملان این جنایت در تعقیب پلیس بودند تا این‌که سه نفر دستگیر و به جرایمشان اعتراف کردند.

قتل جوانی مقابل خانه‌اش

افرادی بعد از دعوای دوباره با یك جوان، او را با شلیك گلوله مقابل خانه‌اش از پای درآورده و متواری شدند. علی‌اکبر احمدی‌نژاد، بازپرس ویژه قتل عمد دادسرای مشهد به جام‌جم گفت: جوان ۲۲ ساله جمعه‌شب بر اثر اصابت گلوله از سلاح وینچستر در جاده سیمان مشهد به قتل رسید. معلوم شد که مقتول با چند نفر در خیابان درگیری پیدا کرده است. آنها آن‌شب مقابل خانه وی رفتند و او را به قتل رساندند.